

سوره مؤمنون

به نام خدای خوب مهربان

مؤمنان قطعاً خوشبخت اند.^۱ همانان که در نمازشان با حضور قلب اند.^۲ از کارهای بیهوده فراری اند.^۳ اهل کمک‌های مالی اند.^۴ همچنین، در رفتار جنسی خود پاک‌دامن اند.^۵ و فقط با همسران و کنیزانشان رابطه زناشویی دارند و از این بابت، سرزنش نمی‌شوند.^۶ آن‌هایی که بیشتر از این، دنبال برآوردن نیازهای جنسی‌شان باشند، زیاده‌خواه اند.^۷ آن مؤمنان در امانت‌داری مواظب اند و سرِ قولشان می‌ایستند.^۸ و کاملاً مراقب نمازهایشان اند.^۹ آنان همان وارثان واقعی اند.^{۱۰} که مراتبِ عالی بهشت را به ارث می‌برند و همیشه در آنجا ماندنی اند.^{۱۱}

البته آدم را از گِلِ خالص آفریدیم.^{۱۲} نسل او را هم، از ذره‌ای ناچیز می‌آفرینیم و در جایی امن، یعنی رحمِ مادر، قرارش می‌دهیم.^{۱۳} سپس آن ذره را به لخته خونی تبدیل می‌کنیم. بعد، آن را به صورت تکه گوشتی درمی‌آوریم. آن وقت، آن را در قالب استخوانی نرم و نازک می‌رویانیم و بر استخوان‌های لایه‌ای از گوشت می‌پوشانیم. در پایان هم به او جان می‌دهیم. هزار آفرین به خدا، بهترین آفریننده‌ها! ^{۱۴} سپس شما بعد از به دنیا آمدن و مدتی زندگانی در دنیا، حتماً می‌میرید.^{۱۵} سرانجام، در روز قیامت دوباره زنده می‌شوید.^{۱۶}

در ضمن، بالای سرتان هفت آسمان آفریده‌ایم که محل رفت و آمد فرشتگان است؛ بنابراین از احوال شما و سایر مخلوقات بی‌خبر نیستیم.^{۱۷}

۱. البته مؤمنان به همان اندازه‌ای که کارهای خوب می‌کنند، در دنیا و آخرت سعادتمندند. این سوره برخی از ویژگی‌های مؤمنانِ اهل عمل را برمی‌شمارد.

از آسمان برف و باران کافی می فرستیم و در سفره های زیرزمینی و روزمینی ذخیره اش می کنیم؛ در صورتی که می توانستیم دست نیافتنی اش کنیم. ۱۸ پس به برکتش، باغ های خرما و انواع انگور پدید می آوریم که در آن ها میوه های فراوان دیگری هم به بار می آورید و رزقتان را از آن ها تأمین می کنید. ۱۹ در مناطق مدیترانه ای، مانند طور سینا، درخت زیتون پرورش می دهیم که مردم از روغن و میوه اش استفاده می کنند. ۲۰

با دیدن چهارپایان هم درس توحید بگیرید: از دام ها، شیرشان را به شما می نوشانیم و از گوشتشان می خورید و برایتان فایده های فراوان دارند. ۲۱ بله، در خشکی سوار این ها می شوید و در دریا سوار کشتی ها. ۲۲ حال، چه کسی شایسته عبادت است؟

نوح را برای هدایت قومش فرستادیم. او گفت: «مردم! فقط خدا را بپرستید که معبودی جز او ندارد. پس چرا دست از بت پرستی بر نمی دارید؟!» ۲۳ در مقابل، خواص بی دین جامعه به مردم می گفتند: «این فقط بشری است مثل شما که می خواهد با ادعای پیامبری، بر شما ریاست کند. اگر خدا می خواست پیامبر بفرستد، چند فرشته می فرستاد! تا حالا از این طور حرف ها در تاریخ نیاکانمان نشنیده ایم! ۲۴ او فقط کمی دیوانه شده است! مدتی صبر کنید تا حالش خوب شود یا اینکه اصلاً بمیرد!» ۲۵

نوح گفت: «خدایا، مرا دروغگو می دانند؛ به جایش تو یاری ام کن.» ۲۶ این شد که به او وحی کردیم: «با نظارت و راهنمایی ما، آن کشتی بزرگ را محکم بساز. وقتی فرمانمان رسید و چشمه هایی فراوان فوران کرد، از هر نوع حیوان اهلی به اندازه نیازتان، داخل آن کشتی کن. مومنان و اعضای خانواده ات را هم، جز آن هایی که عذابشان حتمی شده است و درباره نجات بدکارها حرفی با من نزن که همه شان غرق خواهند شد! ۲۷

وقتی خودت و همراهانت در کشتی جاگیر شدید، بگو: 'خدا را شکر که ما را از چنگ این جماعت ستمکار نجات داد.' ۲۸ و دعا کن: 'خدایا، مرا در جایی پُر خیر و برکت پیاده کن که تو بهترین میزبانی.' ۲۹ این ماجرا خیلی درس ها دارد. ما مردم را حتماً و همیشه آزمایش می کنیم. ۳۰

این گذشت... و بعد از آن ها نسل تازه ای روی کار آوردیم. ۳۱ بینشان پیامبری از خودشان فرستادیم که: «فقط خدا را پرستید؛ چون معبودی جز او ندارید. پس چرا دست از بت پرستی بر نمی دارید؟!» ۳۲

از آن طرف، مرقّهان بی دین منکر آخرت که در دنیا به عافیت طلبی سرگرمشان کرده بودیم، به مردم می گفتند: «این فقط بشری است مثل شما؛ همانی را می خورد که شما می خورید و همانی را می نوشد که شما می نوشید. ۳۳ اگر گوش به فرمان بشری مثل خودتان شوید، حتماً ضرر می کنید. ۳۴ نکند به شما وعده می دهد که وقتی مردید و مشتی خاک و استخوان شدید، باز زنده از گور بیرونتان می آورند؟! ۳۵ خیلی خیلی بعید است که این وعده بخواهد عملی شود! ۳۶ جز همین زندگی ما خبری نیست: عده ای می میریم و عده ای به دنیا می آییم. بعد از مرگ هم ابداً زنده نمی شویم! ۳۷ او آدمی است که فقط به خدا دروغ می بندد. ما که اصلاً حرف هایش را قبول نمی کنیم!» ۳۸

پیامبرشان گفت: «خدایا، مرا دروغگو می دانند؛ به جایش تو یاری ام کن.» ۳۹ خدا فرمود: «خیلی زود پشیمان می شوند.» ۴۰ سرانجام، به فرمان خدا غرّشی وحشت زادریشان گرفت و له و لورده شان کردیم. نفرین بر ستمکاران! ۴۱ بعد از آن ها، نسل های دیگری روی کار آوردیم. ۴۲

هر ملتی که دورانشان تمام شود، نمی‌توانند حتی برای لحظه‌ای آن را جلو و عقب بیندازند. ۴۳

پیامبرانمان را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ ولی هر بار که برای ملتی پیامبری از جنس خودشان آمد، به او برچسب دروغگویی زدند! ما هم پشت سرهم آن‌ها را نابود کردیم و به زباله‌دان تاریخ فرستادیم. نفرین بر مردم بی‌ایمان! ۴۴

مدتی بعد، موسی و برادرش هارون را با معجزه‌هایمان و منطقی واضح، برای راهنمایی فرعون و نزدیکانش فرستادیم. اما آن‌ها خوی تکبرشان را ادامه دادند! چون که جماعتی قلدر بودند. ۴۵ ۴۶ گفتند: «یعنی به دو نفر مثل خودمان ایمان بیاوریم که تازه قوم و قبیله‌شان هم برده‌م‌ایند؟!» ۴۷ بله، موسی و هارون را به دروغگویی متهم کردند؛ ولی آخرش خودشان نابود شدند. ۴۸

در ضمن، تورات را به موسی دادیم، به این امید که بنی‌اسرائیل هدایت شوند. ۴۹ عیسی بن مریم و مادرش را هم معجزه‌ای شگفت‌انگیز قرار دادیم و در منطقه‌ای بیلاقی و خوش آب‌وهوا ساکنشان کردیم. ۵۰

ای پیامبران، از نعمت‌های پاکیزه استفاده کنید و به شکرانه‌اش کار خوب بکنید که من کارهایی را که می‌کنید، می‌دانم. ۵۱

مردم! همه از یک نوعید و باید یک هدف را دنبال کنید و منم صاحب‌اختیاران؛ پس در حضور من مراقب رفتارتان باشید. ۵۲ اما مردم در کار دینشان دچار تفرقه

شده‌اند و هر فرقه‌ای تکه‌ای از دین را گرفته‌اند و به آن دل خوش کرده‌اند! ۵۳ پس تا رسیدن عذاب، بگذار در منجلا بگمراهی بمانند. ۵۴

خیال می‌کنند اموال و اولادشان را برای این زیاد می‌کنیم که به آن‌ها خیر برسانیم؟! نخیر، نمی‌فهمند که! اتفاقاً می‌خواهیم گرفتارترشان کنیم! ۵۵ ۵۶

کسانی هم هستند که از ترس هیبت الهی در هراس‌اند، ۵۷ به آیه‌ها و نشانه‌های خدا اعتقاد کامل دارند، ۵۸ به جای خدا چیزی را نمی‌پرستند. ۵۹

و از همه داشته‌هایشان در راه خدا هزینه می‌کنند و در عین حال، دل‌هایشان برای برگشتن به سوی خدا در تب و تاب است. ۶۰ این افراد، با سبقت از همدیگر، برای کارهای خوب سراز پا نمی‌شناسند. ۶۱ این‌ها سخت نیست؛ چون هر کس را فقط به اندازه توانش مسئول می‌دانیم. پیشمان کتابی است^۱ که درست و دقیق گزارش می‌دهد: هرگز به آنان ستمی نمی‌شود. ۶۲

بله، خوب بودن سخت نیست؛ بلکه دل بی‌دین‌ها غرق غفلت است و برای همین، به جای کارهای خوب، به کارهای زشت مشغول‌اند! ۶۳ به محض اینکه مرقه‌ها بی‌دردشان را به عذاب مبتلا کنیم، نعره‌شان به آسمان بلند می‌شود! ۶۴ دیگر امروز نعره‌نژید که از طرف ما کمکی نمی‌شوید! ۶۵ زیرا آیه‌هایم را برایتان می‌خواندند؛ ولی از سر خود بزرگ‌بینی، به گذشته تاریک خود برمی‌گشتید. در شب نشینی‌هایتان هم، پشت سر قرآن بدوبیراه می‌گفتید. ۶۶ ۶۷

چرا در آیه‌ها و معارف قرآن به دقت فکر نکردند؟! مگر حرف تازه‌ای برایشان آمده بود که برای نیاکانشان نیامده بود؟! ۶۸ یا مگر پیامبران را نمی‌شناختند که انکارش می‌کردند؟! ۶۹ تازه، می‌گفتند: «او کمی دیوانه شده است!» نخیر! این‌ها نیست؛ بلکه او حقایق را برایشان آورده بود که با منافعشان در تضاد بود و برای همین هم، بیشترشان چشم دیدن حق را نداشتند. ۷۰

اگر حقایق طبق میل آن‌ها می‌بود، آسمان‌ها و زمین و هر که در آن‌ها بود، از اساس به هم می‌ریخت! مافقط قرآنی به آن‌ها داده‌ایم که برنامه زندگی‌شان است؛ ولی آن‌ها به این هم بی‌اعتنایند. ۷۱

مگر برای راهنمایی‌شان دستمزدی از آن‌ها می‌خواهی؟! دستمزد خدا که بهتر است؛ زیرا او بهترین روزی دهنده‌هاست. ۷۲ تو، در واقع، به راه درست زندگی دعوتشان می‌کنی؛ ۷۳ ولی کسانی که آخرت را باور نمی‌کنند، از این راه درست منحرف شده‌اند. ۷۴

۱. منظور پرونده اعمال یا لوح محفوظ است. درباره پرونده اعمال، آیه ۴۹ کهف (ص ۲۹۹) را ببینید و درباره لوح محفوظ، آیه ۵۹ انعام را (ص ۱۳۴).

به فرض، به آن‌ها لطف کنیم و گرفتاری‌هایشان را برطرف سازیم، باز با کوردلی، در سرکشی‌شان اصرار می‌کنند! ۷۵ اگر هم عذاب مختصری به آن‌ها بچشانیم تا به خود بیایند، سر تسلیم در برابر خدا فرود نمی‌آورند و زاری نمی‌کنند! ۷۶ تا اینکه وقتی با مرگشان دری از عذاب سخت به رویشان باز کنیم، به یک باره سرخورده می‌شوند! ۷۷

اوست که به شما نعمت گوش و چشم و عقل عنایت فرمود؛ اما حیف که کمتر شکر می‌کنید! ۷۸ اوست که شما را وابسته به زمین آفرید و سرانجام دسته‌جمعی به محضرش برده می‌شوید. ۷۹ اوست که شما را به دنیا می‌آورد و از دنیا می‌برد. رفت و آمد شب و روز هم، دست اوست. پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟! ۸۰ اما آن‌ها همان حرف‌های گذشتگان را می‌زنند ۸۱ و می‌گویند: «بعد از اینکه مردیم و مشتی خاک و استخوان شدیم، یعنی باز واقعاً زنده می‌شویم؟! ۸۲ به ما و پدرانمان قبلاً هم از این جور وعده‌ها داده‌اند؛ ولی کو؟! این‌ها چیزی جز افسانه‌های گذشتگان نیست!» ۸۳

پیرس: «اگر واقعاً چیزی سرتان می‌شود، بگوئید زمین و ساکنانش مال کیست؟» ۸۴ خواهند گفت: «مال خداست.» بگو: «خب، چنین خدایی می‌تواند مردگان را هم دوباره زنده کند. پس چرا به خودتان نمی‌آیید؟!» ۸۵

پیرس: «چه کسی صاحب آسمان‌های هفت‌گانه است و اداره کلان جهان دست کیست؟» ۸۶ خواهند گفت: «مال خداست.»! بگو: «چرا از انکار قیامت نمی‌ترسید؟!» ۸۷

پیرس: «اگر سرتان می‌شود، بگوئید پشت‌صحنه موجودات دست کیست؟! کیست که به هرکه بخواهد، پناه می‌دهد و کسی نمی‌تواند برخلاف خواست او به کسی پناه بدهد؟!» ۸۸ خواهند گفت: «مال خداست.»! بگو: «تا کی اسیر این توهمید که معادی در کار نیست؟!» ۸۹

۱. در این آیه و آیه ۸۹ پاسخ صحیح «خدا» است نه «مال خداست»! آن‌ها از دادن پاسخ درست طفره می‌روند؛ چون نمی‌خواهند به نتایج به‌دست‌آمده از آن گردن بنهند! یعنی اگر بپذیرند همه‌کاره عالم و آدم خداست، خب باید او را عبادت کنند نه بت‌های بی‌خاصیت را که هیچ‌کاره هیچ‌کاره‌اند!

قیامت افسانه نیست؛ بلکه وعده‌ای است که به آنان داده‌ایم و آن‌ها خودشان دروغ‌گویند. ۹۰

خدا نه فرزندی انتخاب کرده و نه معبودی هم‌ردیف اوست؛ وگرنه هر معبودی زیرمجموعه خود را مستقل اداره می‌کرد و هماهنگی نظام آفرینش به هم می‌خورد! همچنین، معبودها برای همدیگر شاخ‌وشانه می‌کشیدند و استقلالشان خدشه دار می‌شد! خدا به دوراست از توصیف‌هایی که می‌کنند؛ ۹۱ از پیدا و پنهان باخبر است: آن وقت شما معبود دیگری سراغ دارید و او نه؟! پس او برتر است از بت‌هایشان. ۹۲

بگو: «خدایا، اگر بناست در دنیا عذابی را نشانم دهی که به این بدکارها وعده شده، خدایا، وقت عذاب کنارتان قرارم نده.» ۹۳ ۹۴ ما که می‌توانیم عذابی را که به آن‌ها وعده داده‌ایم، نشانت دهیم، بی‌آنکه به تو آسیبی برسد! ۹۵ ولی تا آمدن عذاب، با بهترین روش رفتار زشتشان را جواب بده. ما که بهتر می‌دانیم چه می‌گویند. ۹۶ این جور وقت‌ها این طور دعا کن: «خدایا، به تو پناه می‌برم از وسوسه‌های شیاطین. ۹۷ خدایا، به تو پناه می‌برم از اینکه دورترم بچرخند.» ۹۸ وقتی مرگ سراغ یکی از همین بت‌پرست‌ها بیاید، مُدام فریاد می‌زند: «خدایا، مرا برگردانید به دنیا. ۹۹ با ثروتی که باقی گذاشته‌ام، بلکه کارهای خوب بکنم.» هرگز! این حرفی است که همین‌طوری دارد می‌گوید! جلوی روی امثال این‌ها، برزخی است تا روز قیامت که دوباره زنده می‌شوند. ۱۰۰

وقتی در شیپور قیامت بدمند، در آن روز، نه بینشان روابط قوم‌و خویشی باقی می‌ماند و نه برای کمک خواستن، حالی از هم می‌پرسند! ۱۰۱ پس آنانی که کارهایشان با ارزش و نزدیک به حق باشد، خوشبخت‌اند. ۱۰۲ آن‌هایی هم که کارهایشان بی‌ارزش و دور از حق باشد، سرمایه عمرشان را از کف داده‌اند و در جهنم ماندنی‌اند. ۱۰۳ شعله‌های آتش چنان صورت‌هایشان را جزغاله می‌کند که لب‌هایشان جمع می‌شود و دندان‌هایشان نمایان! ۱۰۴

۱. آیه ۲۲ سوره انبیاء (ص ۳۲۳) را هم ببینید.

۲. آیه ۱۸ نساء (ص ۸۰) و پاورقی‌اش و آیه ۲۷ و ۲۸ انعام (ص ۱۳۰) هم در این باره است.

خدا اقرار می‌گیرد: «مگر نه اینکه آیه‌هایم را برایتان می‌خواندند و شما دروغش می‌دانستید؟!» ۱۰۵ اعتراف می‌کنند: «خدایا، بدبختی دامنمان را گرفته بود و جماعتی گمراه بودیم. ۱۰۶ ای خدا، از جهنم بیرونمان ببر و به دنیا برمان گردان. اگر باز سراغ بدی‌ها رفتیم، آن وقت دیگر واقعاً بدیم!» ۱۰۷

خدا تشر می‌زند: «گورتان را گم کنید و دیگر با من حرف نزنید!» ۱۰۸ آن وقتی که عده‌ای از بندگانم دعا می‌کردند: «خدایا، ما ایمان آوردیم. پیامرزمان و به ما رحم کن که تو بهترین مهربانی» ۱۰۹ مسخره‌شان می‌کردید و به آنان می‌خندیدید؛ تا جایی که سرگرم‌شدنتان به تمسخر آنان، یاد مرا کاملاً از خاطرتان برد! ۱۱۰ من هم امروز به خاطر صبرشان در برابر زخم‌زبان‌هایتان، این طور پاداششان دادم که فقط آنان کامیاب باشند. ۱۱۱

بعد، خدا از آن دوزخیان می‌پرسد: «چند سال در برزخ ماندید؟!» ۱۱۲ جواب می‌دهند: «یک روز یا کمتر از یک روز! خودت از فرشتگانی پیرس که حساب و کتاب دستشان است.» ۱۱۳ خدا می‌فرماید: «بله، فقط اندکی در برزخ ماندید!» کاش این را در دنیا می‌فهمیدید! ۱۱۴

با تمام آنچه گفتیم، خیال کرده‌اید که شما را بی‌هدف آفریده‌ایم و به‌سوی ما برتان نمی‌گردانند؟! ۱۱۵ خدا که فرمانروای بحق عالم است، برتر از آن است که شما را بیهوده آفریده باشد؛ همان که معبودی جز او نیست و اداره کلان جهان آفرینش دست اوست. ۱۱۶

هرکس هم ردیف خدا معبود دیگری را صدا بزند که دلیلی هم بر به حق بودنش ندارد، حسابش با خود خداست. چنین بی‌دین‌هایی خوشبخت نمی‌شوند! ۱۱۷ تو نیز مثل بندگانم دعا کن: «خدایا، مرا پیامرز و به من لطف کن که تویی بهترین مهربان.» ۱۱۸

۱. این تشر تندوتیز خدا به دو دلیل است: ۱. مسخره کردن مؤمنان در دنیا ۲. دروغگویی‌شان؛ چون به فرض محال، به دنیا برشان هم گردانند، باز همان آتش است و همان کاسه! ببینید آیه ۲۷ و ۲۸ سورة انعام را (ص ۱۳۰).

۲. این آیه‌ها هم در این باره است: یونس، ۴۵ (ص ۲۱۴)، اسراء، ۵۲ (ص ۲۸۷)، ۱۰۳ به بعد طه (ص ۳۱۹)، احقاف، ۳۵ (ص ۵۰۶) و نازعات، ۴۶ (ص ۵۸۴).

سورة نور

به نام خدای خوبِ مهربان

این سوره را فرستادیم و عمل به آن را واجب کردیم و در آن، آیات و احکامی روشنگر فرستادیم تا به خود بیایید. ۱

زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید. ۱ اگر واقعاً به خدا و روز قیامت ایمان و اعتقاد دارید، حکم خدا را اجرا کنید و برایشان دلسوزی بیجا نکنید. گروهی از مسلمانان هم باید شاهد مجازاتشان باشند. ۲

مراقب باشید: مرد زناکاری که حد خورده است، ولی هنوز به کارش ادامه می‌دهد، فقط با زن زناکار یا بت پرست ازدواج کند. زن زناکاری هم که حد خورده است، ولی هنوز به کارش ادامه می‌دهد، فقط با مرد زناکار یا بت پرست ازدواج کند. این طور ازدواج‌ها برای مؤمنان حرام است. ۳

افرادی، بدون داشتن چهار شاهد عادل، به زنان و مردان پاک‌دامن تهمت زنا می‌زنند. به این تهمت‌زننده‌ها هشتاد تازیانه بزنید و دیگر در هیچ کاری، شهادتشان را نپذیرید؛ چراکه آن‌ها منحرف‌اند. ۴ جز کسانی که بعد از تازیانه خوردن، توبه کنند و این آبروریزی را جبران کنند؛ زیرا خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۵

مردانی که به همسرانشان تهمت زنا می‌زنند ۲ و برای اثبات این ادعا شاهی هم ندارند، شهادت هر کدامشان جای شهادت چهار شاهد را می‌گیرد؛ به شرط آنکه چهار بار بگویند: «به خدا قسم، راست می‌گویم». ۶ و بعدش بگویند: «خدا لعنت کند مرا اگر دروغ بگویم». ۷

از طرف دیگر، اگر همسر آن مرد چهار بار بگویند: «به خدا قسم، شوهرم دروغ می‌گوید» و بعدش بگویند: «خدا مرا لعنت کند، اگر شوهرم راست بگوید»، این قسم‌ها او را از مجازات زنا رها می‌کند. ۸ ۹

اگر لطف خدا نصیبتان نمی‌شد و راه درست زندگی را یادتان نمی‌داد و توبه‌تان را قبول نمی‌کرد، به بدبختی می‌افتادید. ۱۰

۱. البته مجازات زنان و مردان همسراری که مرتکب زنا شوند یا مجازات کسی که با محارم خود زنا کند یا به زور با کسی زنا کند، مرگ است. شرایط و جزئیات این مسائل در کتاب‌های فقهی آمده است.

۲. یا زانی که به شوهران خود تهمت زنا می‌زنند.

کسانی که به یکی از همسران پیامبر تهمت ناموسی زدند و خبرش را پخش کردند، گروهی سازمان یافته از خودتان بودند.^۱ خیال نکنید این ماجرا به ضررتان تمام می شود، بلکه در نهایت، به نفعتان است. دود این آتش هم به چشم آن ها می رود. البته عذابی بی اندازه در انتظار کسی است که نقش اصلی را در این توطئه بازی کرد. ۱۱

آی مردان و زنان بالیمان، وقتی این شایعه را درباره یکی از همسران پیامبر شنیدید، چرا به او که یکی از خودتان بود، خوش گمان نبودید و نگفتید که این حرف حتماً دروغ است؟! ۱۲ چرا تهمت زندگان چهار شاهد برای اثبات ادعایشان نیاوردند؟! حالا که چنین شاهدانی نیاورده اند، در پیشگاه خدا، واقعاً دروغگو هستند. ۱۳

اگر لطف و بزرگواری خدا در دنیا و آخرت نصیبتان نمی شد، به خاطر این بازی خطرناکی که به راه انداخته اید، به عذابی بی اندازه گرفتار می شدید. ۱۴ آن شایعه را از زبان هم شنیدید و بی آنکه اطلاع دقیقی از چندوچون آن داشته باشید، دهان به دهان چرخانید و گفت و گو درباره اش را سهل و ساده گرفتید؛ درحالی که آن، از نظر خدا، مسئله کوچکی نبود. ۱۵ چرا به محض شنیدن آن شایعه، نگفتید: «پناه بر خدا! ما حق نداریم درباره چنین موضوعی صحبت کنیم. معلوم است که این حرف، تهمتی بزرگ است»؟! ۱۶

خدا نصیحتتان می کند که دیگر از این کارهای زشت مرتکب نشوید؛ البته اگر واقعاً ایمان دارید. ۱۷ خدا آیه هایش را برایتان توضیح می دهد؛ چرا که او دانای کار درست است. ۱۸

کسانی که دوست دارند کارهای زشت و زننده در بین مسلمانان رواج پیدا کند، بدانند که در دنیا و آخرت، عذابی زجرآور نصیبشان می شود. خدا آثار مخرب بازی با آبروی افراد را خوب می داند؛ ولی شما از آن بی خبرید. ۱۹ اگر لطف و بزرگواری خدا نصیبتان نمی شد و خدا دلسوز مهربانی نبود، به عذابی سخت گرفتار می شدید. ۲۰

۱. این جریان که به داستان «افک» معروف شده است، از این قرار بود: عده ای از منافقان به رهبری عبدالله بن اُبی، با نقشه ای ناجوانمردانه و شیطنت آمیز، به یکی از همسران پیامبر ﷺ تهمت زشت ناموسی زدند و این شایعه را بین مسلمانان پخش کردند. آن ها می خواستند با توطئه علیه خاندان نبوت، به اسلام و مسلمین ضربه بزنند. متأسفانه گروهی از مسلمانان هم تحت تأثیر این شایعه پراکنی قرار گرفتند و به آن دامن زدند. خدای متعال، با فرستادن این آیات نورانی، شدیداً با این توطئه شیطانی منافقان خبیث و خائن مقابله کرد و مسلمانان را از افتادن در دام آن ها برحذر داشت.

مسلمانان! پا جای پای شیطان نگذارید. هرکس دنبالش راه بیفتد، بدبخت و بیچاره می‌شود؛ چون که او به کارهای زشت و ناپسند فرمان می‌دهد. اگر لطف و بزرگواری خدا نبود، هرگز هیچ یک از شما در خودسازی موفق نمی‌شد؛ ولی خدا هرکه را لایق ببیند، توفیق خودسازی می‌دهد. آخر، خدا شنوای داناست. ۲۱

در ضمن، بعضی قوم و خویشانان و مستمندان و مهاجران در راه خدا، در ماجرای اِفک^۱ اشتباهاتی کردند. نکنند ثروتمندان و توانگران در کمک به آن‌ها کوتاهی کنند؛ بلکه باید از خطایشان بگذرند و به رویشان نیاورند. مگر دوست ندارید خدا هم از خطاهایتان درگذرد؟! بله، خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۲۲

کسانی که به بانوان مؤمن و پاک دامن بی‌خبر از همه جا تهمت ناموسی می‌زنند، در دنیا و آخرت، لعنت شده‌اند و بی‌تردید، عذابی سخت چشم‌به‌راهشان است؛ ۲۳ همان روزی که دست و پا و زبان‌شان دربارهٔ گفتار و رفتار زشتی که در دنیا مرتکب شده‌اند، علیه‌شان شهادت می‌دهند. ۲۴ در چنان روزی، خدا سزایشان را بی‌کم‌وکاست، کف دستشان خواهد گذاشت و می‌فهمند که تنها خدا حقیقتی آشکار بوده و هست. ۲۵

زنان آلوده لایق مردان آلوده‌اند و مردان آلوده لایق زنان آلوده. زنان پاک دامن هم لایق مردان پاک دامن‌اند و مردان پاک دامن لایق زنان پاک دامن. در ضمن، برچسب‌های زشت ناموسی که به ایشان می‌زنند، به آن‌ها نمی‌چسبد و آمرزش و روزی‌های بهشتی در انتظارشان است. ۲۶

مسلمانان! سرزده وارد منزل دیگران نشوید مگر اینکه با گفتن «یاالله» یا سخنی مانند آن، از اهل خانه اجازه بگیرید و به آنان سلام کنید. این کار به نفع خود شماست تا با وظایف اجتماعی‌تان آشنا شوید. ۲۷

۱. همان ماجرای که در آیه ۱۱ همین سوره و پاورقی‌اش بازگو شد.

اگر «یا الله» یا سلامتان را کسی جواب نداد و فهمیدید صاحب خانه در منزل نیست، وارد نشوید تا به نحوی به شما اجازه دهند. همچنین، اگر به شما گفتند: «برگردید»، فوراً برگردید که این به صلاح شماست. خدا می‌داند که چه می‌کنید. ۲۸

عیبی ندارد که بدون اجازه و برای کارهایتان به اماکن عمومی رفت و آمد کنید. خدا قصد و غرضتان را در رفت و آمد به این مکان‌ها می‌داند، چه آشکارش کنید چه پنهان. ۲۹

پیامبر! به مردان باایمان دستور بده چشم‌چرانی نکنند و اندام جنسی‌شان را از نگاه دیگران بیپوشانند. این کار به پاک بودنشان بیشتر کمک می‌کند؛ زیرا خدا از ریزه‌کاری‌های رفتارشان آگاه است. ۳۰

به بانوان باایمان هم دستور بده چشم‌چرانی نکنند و اندام جنسی‌شان را از نگاه دیگران بیپوشانند و جز آنچه به خودی خود پیداست، زیور و آرایش خودشان را به نمایش نگذارند^۱ و با روسری‌ها و مقنعه‌هایشان گردن خود را هم بیپوشانند.^۲

زیور و آرایش خودشان را هم به نمایش نگذارند، مگر برای این افراد: شوهرهایشان، پدرهایشان، پدرشوهرهایشان، پسرهایشان، پسرهای شوهرانشان، برادرهایشان، برادرزاده‌هایشان، خواهرزاده‌هایشان، بانوان مسلمان، کنیزان و غلامان خودشان حتی اگر مسلمان نباشند، مردان عقب افتاده‌ای که به جنس مخالف میلی ندارند یا کودکانی که چشم و گوششان هنوز باز نشده است. همچنین، طوری راه نروند که صدای زیورهای مخفی‌شان جلب توجه کند.^۳ ای مؤمنان، همگی با اجرای امر و نهی‌های الهی در زندگی، راه خدا را طی کنید تا خوشبخت شوید. ۳۱

۱. یعنی رفتن به اداره، بازار، پاساژ، مطب، مسجد و هر مکان عمومی دیگر، باید به نیت انجام دادن کاری باشد، نه به منظور دزدی، اذیت و آزار، بطالت و وقت‌گذرانی و...؛ زیرا خدا همه را می‌داند و براساس نیت افراد، از آن‌ها حساب خواهد کشید. آیه ۳۳ سوره احزاب (ص ۴۲۲) را هم ببینید.

۲. البته دستورن دادن به پوشاندن زیور و آرایش ظاهری معمولی و متعارف برای زنان، مجوزی برای نگاه کردن مردان به آن‌ها نیست. همچنین، زیور غیرمتعارف و آرایش غلیظ باید از نگاه مردان پوشانده شود.

۳. آیه ۵۹ سوره احزاب (ص ۴۲۶) را هم ببینید.

۴. مثل خلخال و کفش‌های پاشنه‌دار که صدای تق تق آن‌ها توجه مردان نامحرم را به خود جلب می‌کند. همچنین، زنان نباید دستانشان را طوری تکان دهند که صدای التگو و دست‌بندشان توجه نامحرم را به خود جلب کند.

برای زنان و مردان مجرد و همچنین، بردگان و کنیزانی که صلاحیت ازدواج دارند، مقدمات ازدواج را فراهم کنید. اگر دست خالی و تنگ دست هستند، خدا از سر بزرگواری بی نیازشان می کند؛ زیرا خدا روزی گستر دانا است. ۳۲

کسانی که امکان ازدواج ندارند، باید پاک دامنی و عفت به خرج دهند تا خدا از سر بزرگواری فرصت ازدواجشان را فراهم کند. بعضی بردگانتان می خواهند با نوشتن قراردادی، خود را بازخرید کنند. اگر صلاحیت های لازم را در آن ها سراغ دارید، تقاضایشان را بپذیرید. از زکات اموالی هم که خدا در اختیاران گذاشته است، مبلغی را برای کمک به آزادی شان اختصاص دهید.

کنیزانی را نیز که می خواهند پاک دامن باقی بمانند، برای کسب درآمد مادی، به خودفروشی وادار نکنید. اگر کسی به خودفروشی وادارشان کند و آن ها به زور به چنین کار زشتی تن بدهند، خدا بعد از وادار شدنشان آمرزنده مهربان است. ۳۳

برایتان آیه هایی روشنتر فرستاده ایم و شرح حالی از گذشتگان قبل از خودتان و نیز پندی برای خودمراقبان. ۳۴

خدا نور پدیدآورنده آسمان ها و زمین است. نور هدایت و معرفت الهی همانند چراغ روی طاقچه است: روی آن شیشه براقی است و شیشه چراغ چنان می درخشد که انگار ستاره ای تابان است. سوخت چراغ هم روغن زال زیتون است، برگرفته از درخت بابرکتی که وسط باغ کاشته اند و آفتاب از هر طرف به آن می تابد. این روغن به قدری صاف است که بدون آتش گرفتن هم روشنی می دهد. بله، نور چنین چراغی صدچندان است. خدا هرکه را شایسته بداند، با این نور به مقصد می رساند. خدا برای

مردم این نکته ها را می آورد و او هر چیزی را می داند. ۳۵

این چراغ پرفروغ در خانه هایی نورافشانی می کند که خدا خواسته است آن خانه ها مقام و منزلت پیدا کنند و در آنجا نامش را ببرند و مردان و زنانی هر صبح و شب به

پاکی یادش کنند؛ ۳۶

۱. متأسفانه امروزه، در بیشتر کشورهای جهان، برده داری مدرن و مافیای مخوف تجارت زنان و دختران، خیلی بدتر از دوران جاهلیت، رواج یافته است. در بعضی کشورها دختران کم سن و سال و معصوم، از مناطق محروم و اغلب با موافقت والدینشان و در عوض مبلغی ناچیز، به شهرهای بزرگ و پایتخت ها آورده می شوند و در مراکز فساد و فحشا بدترین سوء استفاده ها را از آنان می کنند و دین و دنیایشان را به نابودی می کشانند. خوشبختانه در مملکت اسلامی ما، به برکت انقلاب و اسلام، بساط این اعمال شوم و شرم آور برچیده شده است و دنیا روز به روز شاهد درخشش استعداد بانوان نجیب این مرزوبوم و خوشبختی بیش از پیش آنان است.

همان مردان و زنانی که هیچ تجارت و دادوستدی، آنان را به جای یاد خدا و خواندن نماز با آدابش و دادن صدقه، به خود سرگرم نمی‌کند. اینان از روزی می‌ترسند که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیرورو می‌شود. ۳۷

بله، مردان و زنان الهی این‌طور عمل می‌کنند تا خدا براساس بهترین کارهایشان به آنان پاداش دهد. علاوه بر آن، با بزرگواری خودش با آنان رفتار کند؛ زیرا خدا هرکه را شایسته ببیند، روزی فراوان می‌دهد. ۳۸

عبادت‌های بت‌پرست‌ها مثل سراب در کویر است که تشنه، از دور خیال می‌کند آب است؛ ولی وقتی به طرفش می‌رود، چیزی گیرش نمی‌آید! بت‌پرست‌ها هم در قیامت، عبادت‌هایشان را سراب می‌بینند و خدا را می‌یابند که به‌طور کامل حسابشان را کف دستشان می‌گذارد؛ چون خدا به سرعت حسابرسی می‌کند. ۳۹

یا عبادت‌هایشان مثل تاریکیِ هولناکِ دریای عمیقی است که موج‌های پی‌درپیِ وحشتناک و ابرهای تیره و تار همه جایش را پوشانده است؛ آن چنان تاریک که چشم چشم را نمی‌بیند. بت‌پرست‌ها هم در تاریکیِ وحشتناکِ عبادت‌هایشان گرفتارند؛ زیرا اگر خدا به کسی نوری نداده باشد، قطعاً او نوری نخواهد داشت. ۴۰

مگر ندیدی که هرچه در آسمان‌ها و زمین است، حتی پرندگان در حال پرواز، مشغول ذکر خداوند؟! همهٔ آنان آگاهانه از خدا حاجت می‌خواهند و ذکر می‌گویند. خدا هم می‌داند که چه کارهایی می‌کنند. ۴۱ فرمانرواییِ آسمان‌ها و زمین فقط در

اختیار خداست و به خدا ختم می‌شود آخر عاقبت همه. ۴۲

مگر ندیدی که خدا ابرهای پراکنده را آرام به حرکت درمی‌آورد و به هم وصل می‌کند و بعد، متراکمشان می‌سازد؟! دست آخر، دانه‌های برف و باران را می‌بینی که از لابه‌لایشان می‌بارد. گاهی هم از انبوه ابرها تگرگ می‌باراند و با آن‌ها به هرکه صلاح بداند، صدمه می‌زند و از هرکه صلاح بداند، دور می‌کند. کم مانده که صاعقه خیره‌کنندهٔ ابرها به چشم‌ها آسیب بزند. ۴۳

خدا شب و روز را دائماً جابه‌جا می‌کند. به یقین، در این پدیده‌ها عبرتی برای افراد روشن بین است. ۴۴ خدا هر موجود زنده‌ای را از آب آفریده است. بعضی‌شان روی شکم راه می‌روند و بعضی روی دو پا و بعضی روی چهار پا. خدا هرچه را صلاح بدانند می‌آفریند؛ زیرا او از عهده هر کاری برمی‌آید. ۴۵ بله، ما آیه‌هایی روشن‌گر فرستادیم. خدا هرکه را شایسته ببیند، به راه درست زندگی می‌برد. ۴۶

منافق‌ها می‌گویند: «به خدا و پیامبر ایمان آورده‌ایم و گوش به فرمانیم.» بعد از این اعتراف، عده‌ای از آن‌ها رو برمی‌گردانند. آن‌ها اصلاً مؤمن نیستند. ۴۷ وقتی هم به آن‌ها می‌گویند که برای حل اختلافاتان پیش خدا و پیامبرش بروید تا پیامبر میانتان داوری کند، عده‌ای از آن‌ها فوری رو برمی‌گردانند! ۴۸

البته اگر احساس کنند که حق با خودشان است، با سرپیش پیامبر می‌دوند. ۴۹ آیا دل‌هایشان مریض شده یا در دین الهی شک کرده‌اند یا می‌ترسند که خدا و پیامبرش به آن‌ها بد کنند؟! نه چنین نیست؛ آن‌ها خودشان بدکارند. ۵۰

اما مؤمنان وقتی به آنان گفته شود برای حل اختلافاتان پیش خدا و پیامبرش بروید تا پیامبر میانتان داوری کند، می‌گویند: «چشم. با جان و دل شنیدیم و اطاعت می‌کنیم.» فقط اینان خوشبخت‌اند. ۵۱ آنانی که گوش به فرمان خدا و پیامبرش باشند و از خدا حساب ببرند و از نافرمانی بپرهیزند، مردمی کامیاب‌اند. ۵۲

منافق‌ها سفت و سخت به خدا قسم می‌خورند که اگر به آن‌ها فرمان حضور در جبهه بدهی، حتماً به جبهه می‌روند. بگو: «لازم نیست قسم بخورید! حضور در جبهه، واجب شناخته شده‌ای است و خدا آگاه است که چه می‌کنید.» ۵۳

بگو: «گوش به فرمان خدا و پیامبرش باشید؛ پس اگر سرپیچی کنید، پیامبر مسئول اعمال خودش است و شما مسئول اعمال خودتان. اما اگر از او اطاعت کنید، به مقصود می‌رسید. پیامبر جز رساندن صریح پیام الهی و وظیفه‌ای ندارد.» ۵۴

گروهی از شما مسلمانان که ایمان واقعی آورده‌اند و کارهای خوب کرده‌اند، خدا به آنان چنین وعده داده است: همان‌طور که در گذشته، بندگان شایسته را جانشین دیگران قرار داد، آنان را هم در زمین جانشین قبلی‌ها می‌کند. اسلام را هم که دینی پسندیده برایشان قرار داده است، پابرجا می‌سازد و ترسشان را به امنیت تبدیل می‌کند. آنان طوری مرا عبادت می‌کنند که به جای من چیزی را نپرستند.^۱ کسانی که بعد از تحقق این وعده، با بی‌دینی و آلوده شدن به گناهان، ناشکری کنند، گروهی منحرف‌اند. ۵۵

نماز را با آدابش بخوانید و صدقه بدهید و گوش به فرمان پیامبر باشید تا وعده الهی درباره حکومت صالحان در زمین، در زمان شما عملی شود. ۵۶

خیال نکن که بی‌دین‌ها می‌توانند حریف خدا در زمین شوند؛ بلکه آن‌ها شکست می‌خورند و جایگاهشان آتش است که به یقین، بد عاقبتی است. ۵۷

مسلمانان! بچه‌هایتان که خوب و بد را تشخیص می‌دهند، ولی هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند و نیز بردگان و خدمتکارانتان، در سه وقت از شبانه‌روز، برای ورود به اتاق خوابتان باید از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز صبح که هنوز در رختخوابید، هنگام استراحت ظهر که لباس‌هایتان را کم کرده‌اید، بعد از نماز عشا که برای خواب آماده شده‌اید. این سه وقت، هنگام خلوت و خواب شماست. اما در وقت‌های دیگر، برای شما و آن‌ها اشکالی ندارد که بی‌اجازه وارد شوند؛ زیرا شما اعضای یک خانواده‌اید و دائم با هم سروکار دارید. خدا آیات و احکام را این‌طور برایتان توضیح می‌دهد. آخر، خدا دانای کاردرست است. ۵۸

۱. بر اساس روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) این وعده الهی با حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه‌السلام) به واقعیت خواهد پیوست و همه مردم خوب و خداجوی روی زمین، در آرامش و امنیت، بندگی خدا را خواهند کرد و به خوشبختی دنیا و آخرت خواهند رسید.

وقتی هم بچه‌هایتان به سن بلوغ رسیدند، در تمام اوقات شبانه‌روز، برای ورود به اتاق خوابتان، مثل دیگر بزرگسالان خانواده، باید از شما اجازه بگیرند. خدا آیات و احکامش را این‌طور برایتان شرح می‌دهد؛ زیرا خدا دانای کاردرست است. ۵۹

اشکالی ندارد که بانوان پیر و ازپافتاده‌ای که دیگر، جاذبه‌های جنسی ندارند، لباس‌های رویی‌شان^۱ را نپوشند؛ به شرط آنکه آرایش نکنند و زینتشان را نشان ندهند. البته اگر پوشش کامل را رعایت کنند، برایشان بهتر است؛ زیرا خدا شنوای داناست. ۶۰

عیب و ایرادی ندارد که افراد نابینا و معلول و بیمار با شما هم غذا شوند. همچنین، برایتان اشکالی ندارد که از خوراکی‌ها و امکانات این خانه‌ها استفاده کنید:^۲ خانه‌های همسران و بچه‌هایتان، خانه‌های پدرانتان، خانه‌های مادرانتان، خانه‌های برادرانتان، خانه‌های خواهرانتان، خانه‌های عموهایتان، خانه‌های عمه‌هایتان، خانه‌های دایی‌هایتان، خانه‌های خاله‌هایتان، خانه‌هایی که اختیارشان به دست شماست یا خانه‌های دوستان نزدیکتان، چه به همراه کسی باشید چه تنها.

با این حال، وقتی خواستید به یکی از این خانه‌ها وارد شوید، به خودتان سلام کنید که سلام، درودی مبارک و فرخنده از طرف خداست. خدا آیات و احکام اسلامی را این‌طور برایتان شرح می‌دهد تا عقلتان را به کار بیندازید. ۶۱

۱. مثل چادر، مانتو، روسری و مقنعه و... .

۲. همین‌که احتمال بدهید صاحبان این خانه‌ها راضی هستند، کافی است. البته به شرط آنکه به اندازه نیاز و از خوراکی‌ها و امکانات معمولی استفاده کنید و ریخت‌وپاش هم نکنید.

مؤمنان کسانی اند که به خدا و پیامبرش ایمان واقعی دارند و موقعی که در کار مهمی همراه پیامبرند، بی اجازه او به جایی نمی روند. بله، کسانی که از تو اجازه می گیرند، به خدا و پیامبرش ایمان واقعی دارند. پس هر وقت برای کار مهمی که برایشان پیش آمده است، از تو اجازه می گیرند، به هر کدامشان صلاح می دانی، اجازه بده و برایشان از خدا آمرزش بخواه؛ چون که خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۶۲

دعوت پیامبر از شما و فراخوانش را مثل فراخوان خودتان از هم به حساب نیاورید. خدا خوب می شناسد کسانی را که با پنهان شدن پشت این و آن، آرام و بی سروصدا صحنه را ترک می کنند! پس کسانی که از فرمان و فراخوان عمومی پیامبر سرپیچی می کنند، بترسند از اینکه بلایی در دنیا یا عذابی زجرآور در آخرت بر سرشان بیاید. ۶۳

بدانید هرچه در آسمان ها و زمین است، فقط مال خداست. خدا، هم از احوالتان باخبر است، هم از روزی که مردم را به سویش برمی گردانند و او از کارهایشان باخبرشان می کند؛ زیرا خدا هر چیزی را می داند. ۶۴

سورهٔ فرقان

به نام خدای خوب مهربان

پربرکت است کسی که قرآن جداکنندهٔ حق از باطل را بر بنده اش، محمد، فرستاد تا هشداردهنده ای برای جهانیان باشد. ۱ همان خدایی که فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط مال اوست، فرزندی برای خودش انتخاب نکرده، در فرمانروایی اش همکار ندارد و هر چیزی را با ویژگی های خاصی آفریده است. ۲

با این همه، بت پرست ها به جای خدا معبودهای دیگری برای عبادت انتخاب کرده اند که نه تنها چیزی نمی آفرینند، بلکه خودشان آفریده شده اند و حتی اختیار سود و ضرر خودشان را ندارند. مرگ و زندگی و حساب و کتاب کسی هم دستشان نیست. ۳

بت پرست های بی دین ادعا کردند: «قرآن جز مشتی دروغ نیست که محمد خودش ساخته و پرداخته است. گروهی از اهل کتاب هم، در این کار کمکش کرده اند!» با چنین نسبیتی، مرتکب ظلم و دروغ بزرگی شده اند. ۴ مدعی بودند: «قرآن افسانه های گذشتگان است که محمد سفارش داده است تا برایش بازنویسی کنند. وقت و بی وقت، قسمتی را برایش می خوانند تا حفظ کند و برای مردم بخواند!» ۵

بگو: «کسی این قرآن را فرستاده که اسرار آسمان ها و زمین و از جمله نیت های شومتان را می داند؛ البته او آمرزنده مهربان است.» ۶ به تمسخر گفتند: «این دیگر چه پیامبری است؟! مثل مردم عادی، آب و غذا می خورد و در کوچه و بازار رفت و آمد می کند! چرا لا اقل فرشته ای به سوییخ فرستاده نشده تا دوتایی با هم هشدار دهند؟! ۷ یا دست کم گنجی نمی افتد جلوی پایش یا باغی ندارد که از آن امرار معاش کند؟!» چنین بدکارهایی به مسلمانان گفتند: «فقط دنبال آدمی جادو شده راه افتاده اید!» ۸

ببین برای تو چه حرف هایی درمی آورند! از جادۀ عقل و انصاف خارج شده اند و دیگر راه به جایی نمی برند. ۹ پربرکت است آن که اگر مصلحت بداند، بهتر از این ها را همین جا به تو عنایت می کند: باغ هایی پر درخت که در آن ها جوی ها روان است. قصرهایی باشکوه هم نصیب می کند. ۱۰ نه، فقط بهانه می آورند! در واقع قیامت را دروغ می دانند و برای آن هایی که قیامت را دروغ بدانند، آتشی شعله ور آماده کرده ایم! ۱۱

چون آتش از فاصله ای دور ببیندشان، چنان به جوش و خروش درمی آید که آن‌ها هم صدایش را می‌شنوند! ۱۲ وقتی کت بسته به جای تنگ و تاریکی در جهنم پرتاب شوند، آنجاست که هر لحظه آرزوی مرگ می‌کنند! ۱۳ آن روز نه یک بار، بلکه بارها و بارها، باید آرزوی مرگ کنید! ۱۴

پیامبر، بگو: «این آتش زجرآور بهتر است یا بهشت جاودانی که به خودمراقبان وعده داده‌اند؟! بله، پاداش و سرانجامشان همین است. ۱۵ در آنجا هرچه دلشان بخواهد، برایشان فراهم است و آنجا ماندنی‌اند. اجرای این وعده را، که نهایت آرزوی خودمراقبان است، خدا بر عهده گرفته است. ۱۶

روزی، خدایت پرست‌ها را با معبودهایی جمع می‌کند که به جای او می‌پرستیدند. از معبودها می‌پرسد: «آیا شما بودید که این مردم را به بیراهه کشانید یا اینکه خودشان گمراه شدند؟» ۱۷ معبودها می‌گویند: «پناه بر خدا! اصلاً جایی نداشت که بخواهیم به جای تو کس و کاری برای خود بگیریم. تو آن‌ها و پدرانشان را غرق ناز و نعمت کردی؛ اما به جای شکر نعمت، یادت را فراموش کردند و به فساد و تباهی کشیده شدند.» ۱۸

خدا به بت پرست‌ها می‌گوید: «خب، معبودها هم حرف‌هایتان را دروغ دانستند! با این حساب، نه دیگر می‌توانید عذاب را از خودتان دور کنید و نه از کسی کمک بگیرید. هر کدامتان که بد کرده باشید، عذابی بی‌اندازه به او می‌چشانیم.» ۱۹

قبل از تو هم، همه پیامبرانی که فرستادیم، مثل مردم عادی آب و غذا می‌خوردند و در کوچه و بازار رفت و آمد می‌کردند. با همین کارها، شما را مایه آزمایش هم‌دیگر قرار داده‌ایم. آیا در سختی‌های این راه صبر می‌کنید؟ به هر حال، خدا از احوالتان آگاه است. ۲۰